



گزارش و یادداشت‌هایی درباره کارنامه سینمایی مجید مجیدی

ادامه از صفحه ۴

اما وقتی فرهادی بر مرکب مُراد سوار شد، فضا برای ورود استعداد‌های نو و فعالیت آنها در سینمای ایران خیلی محدود شده بود و این شد که او ماند و سینمای ایران و موج رفته‌رفته ملال‌آوری که بعدها به سندروم پسافرهادی معروف شد. اما مجیدی در دوران پسافرهادی هم فیلم ساخت. آخرین فیلم او، آنچنان که به سبک آشنای مجیدی برای مخاطبان تعلق داشته باشد، «آواز گنجشک‌ها» بود. این فیلم هم مثل فیلم‌های فرهادی توانست از فستیوال برلین برنده یکی از جوایز اصلی شود؛ یعنی جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد و طبق عرف جهانی، وقتی در فستیوالی هنری به یک نابازیرگر جایزه داده شود، این رفتار معنی تقدیر از کارگردانی را می‌دهد که از او بازی گرفته است. اما تاروی پرده آمدن فیلم بعدی مجیدی مدت‌ها گذشت. بسیاری از فیلمسازان دنیا که در جشنواره‌های هنری موفقیت‌هایی داشته‌اند، بعد از ثبت رکورد‌های متعدد جشنواره‌ای، علاقه‌مند می‌شوند فیلم‌های بزرگ و پرخرج بسازند. از ژانگ ییمو و هوشیانو شین گرفته تا برناردو برتولوچی که تصمیم گرفت فیلم سه‌بعدی بسازد، نمونه‌هایی از این تمایل فراگیر هستند. مجیدی هم این تمایل را با یک میل و شور ایدئولوژیک پیوند داد و نتیجه

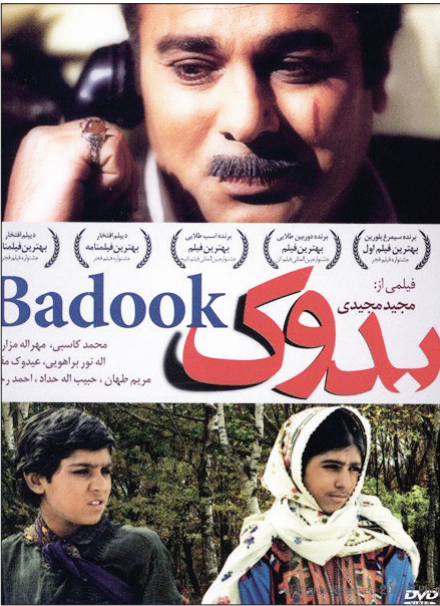
✎ مجیدی سراغ سینمای هند رفت

مجیدی بعد از «محمدرسول... (ص)» سراغ سینمای هندوستان رفت. حالا کارگردانی که مسیر فیلمسازی‌اش بیش از ۲۰ سال گذشته است، درباره فیلم سینمایی «آن سوی ابرها» می‌گوید: «این اولین فیلم بلندی است که در خارج از کشورم ایران ساخته‌ام، تجربه‌ای که سال‌ها در انتظار رخ دادن آن بودم. «آن سوی ابرها» دنباله اعتقادات سینمایی من است که ریشه در ارزش‌های انسانی، عشق، دوستی و روابط خانوادگی دارد. این فیلم همچون «بچه‌های آسمان» داستان یک برادر و خواهر است با این تفاوت که آنها بزرگ شده‌اند و با کشمکش‌های بزرگ‌تری در شهر شلوغ بمبئی روبه‌رو هستند.»

در سینمای ایران تجربه‌ای موجود است که بارها تکرار شده. سینمای ایران صاحب مکاتب مشخص هنری یا حتی یک مکتب غالب نیست و هر بارقه‌ای که در آن می‌بینیم، برآمده از استعداد شخصی یک فیلمساز به‌خصوص است. البته قسمت غمبار قضیه اینجاست که چنین استعدادهایی همیشه مجال ظهور و بروز ندارند و گاهی بنا به شرایطی خاص و اتفاقی، این شانس نصیب سینمای ایران می‌شود که یکی از آنها را در دل خودش ببیند. اما فیلمسازان با استعداد ما تا به حال بارها این تجربه را تکرار کرده‌اند؛ فیلم‌های اول

مجیدی بیندازیم؛ فیلمی اصطلاحاً هنری از فیلمسازی که آن روزها گمنام بود و بعد از تجربه برخورد‌های بدی که از جانب بعضی مسئولان با «بدوک» صورت گرفت، بارها تا مرز ساخته‌نشدن پیش رفت و بعد، این تجربه‌ها را مقایسه کنیم با «آن سوی ابرها» که مجیدی آن را با بودجه‌ای نسبتاً بالا و نامی کاملاً شناخته‌شده، جلوی دوربین و روی پرده برد؛ اما توفیقی در گیشه نداشت. خود مجیدی ماجرای فروش فیلم «بچه‌های آسمان» را این‌طور روایت می‌کند:

«وقتی فیلم در جشنواره مونترال نمایش داده شد، آن قدر استقبال مردمی بالا بود که دو نمایش ویژه و خارج از برنامه برایش ترتیب دادند. مجیدی می‌گوید: «در آن ایام کمپانی‌های بزرگ بسیاری دنبال خرید و حق‌پخش این فیلم افتاده بودند اما میراماکس از همه مصرتر بود؛ یکی دو روز بعد از رسیدن ما به جشنواره، بازیاب‌های میراماکس آمدند و از ما دعوت کردند با هم به رستورانی برویم. همان جا با مدیران‌شان تماس گرفتند و بعد، از ما تقاضا کردند فعلاً به هیچ‌جا قول ندهیم تا فردا قرارداد ببندیم. من آن موقع شناخت دقیقی نداشتم، ولی بچه‌هایی که کارشان این بود، خوشحال شدند و می‌گفتند میراماکس شرکت خیلی خوب و درجه یکی است. سونی‌پیکچرز و یونیورسال هم دنبال مذاکره با ما بودند، اما اینها سفت ما را

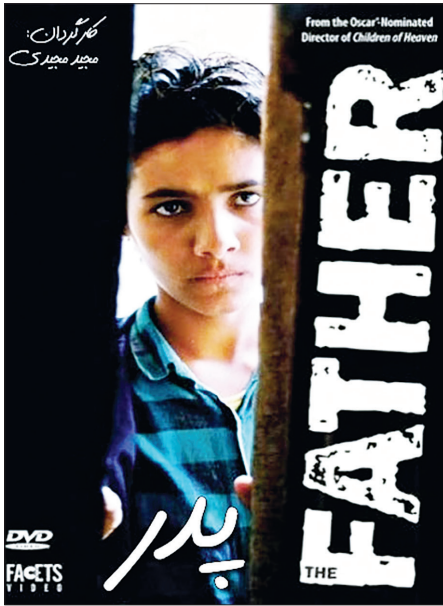
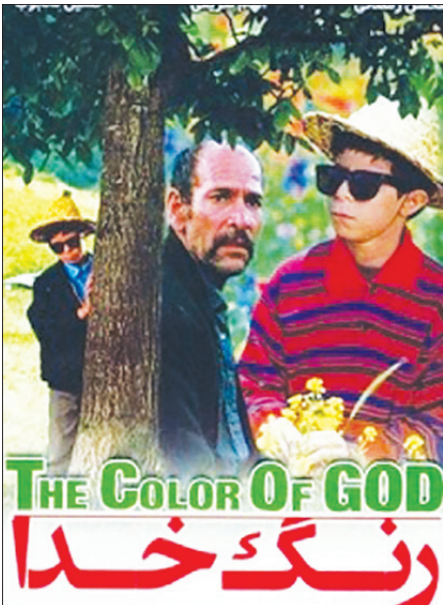


چسبیده بودند.»

آن‌طور که مجیدی نقل می‌کند، او در آن ایام حتی بدون اینکه بدانند در حال دست‌یازیدن به چه سود کلانی است، پای قرارداد با میراماکس رفت؛ «شب بعد، نماینده خریدشان از نیویورک آمد، سالتی اجاره کردند و فیلم را با هم دیدیم. بعد از دیدن فیلم، ظرف دو سه ساعت قرارداد اولیه بسته شد. دقیق یادم هست که آن موقع وحید اسفندیاری مالزی بود و به خاطر اختلاف ساعت خواب بود، با موبایل تماس گرفتند و بیدارش کردند و قضیه را تماشش کردند... قراردادشان ۸۰۰هزار دلار نقد بود. آن وقت‌ها دلار معادل ۴۰۰ تومان بود. «بچه‌های آسمان» با حدود ۳۰ میلیون تومان ساخته شده بود. یعنی فقط در همین قرارداد نزدیک به ۳۲۰ میلیون تومان عاید تهیه‌کننده شد. آنها کپی پخش جهانی‌اش را خریدند که البته بعداً این حق پخش را فقط به ژان یک میلیون دلار فروختند!»

مجیدی که فیلمش را ۱۱ برابر هزینه اولیه ساخت آن در یک قرارداد فروخته بود، حتی این را هم می‌گوید که خود میراماکس با این قرارداد چندین برابر نسبت به سرمایه اولیه‌اش سود کرد.

اما آخرین فیلم نسبتاً سودآور مجیدی در گیشه‌ها شاید «آواز گنجشک‌ها» باشد. او سپس «محمد رسول... (ص)» را ساخت که به دلیل بی‌تجربگی سینمای ایران در سیستم پخش، نتوانست در ایران‌های خارجی‌اش چندان موفق باشد و «آن سوی ابرها» هم چنان که پیداست، افق مناسبی را از این لحاظ پیش روی مجیدی قرار نداده. البته هنوز زود است که او را کاملاً شکست‌خورده و از دور افتاده بدانیم. پرونده کاری مجیدی، سینوسی و پر از فراز و فرود است و احتمال اینکه او باز هم اوج بگیرد، به هیچ‌وجه نامحتمل نیست.



را در ایران می‌سازند و از واسط کارشان نبوغ شخصی آنها باعث شهرت‌شان می‌شود. بعد به فستیوال‌های جهانی می‌روند و در بخش‌هایی از جهان هم معرفی می‌شوند. کم‌کم و سوسه تولید فیلم‌های مشترک بین ایران و یک کشور خارجی در آنها ایجاد می‌شود و علاقه‌مند می‌شوند که به‌طور کامل در خارج از ایران فیلم بسازند. اما هم‌زمان با خروج تدریجی این سینماگران از فضای داخلی کشور، استعداد‌های آنها هم رو به افول می‌گذارد. آنها بهترین آثارشان را داخل ایران می‌سازند، آثاری که کمی ضعیف‌تر است را به‌طور مشترک بین ایران و یک تهیه‌کننده خارجی تولید می‌کنند و ضعیف‌ترین کارهایشان را که شاید پرخرج‌ترین آنها هم باشد، کاملاً در خارج از کشور می‌سازند. مجید مجیدی خیلی دیر اولین فیلم بلند سینمایی‌اش را ساخت یعنی وقتی در دهه پنجم زندگی‌اش بود و از طرفی خیلی هم دیر بساط فیلمسازی‌اش را به خارج از ایران برد، یعنی وقتی حدود ۷۰ سال داشت. امروز مجیدی آخرین فیلمش را که به‌طور کامل در خارج از ایران ساخته شده، در سینماهای ایران و جهان اکران کرده است. در گیشه‌های ایران که او کم‌فروش‌ترین فیلم را روی پرده دارد و البته در خارج از کشور هم چندان اتفاق خاصی برای فروش بالای اکران این فیلم نیفتاده است. جالب است که خروج کامل این دو فیلمساز از سینمای ایران، یعنی فرهادی و مجیدی، به‌رغم اینکه دوره‌های درخشان فعالیت آنها متفاوت بود، حالا هم‌زمان و یکسان شده‌اند. نگاهی به وضعیت فروش «آن سوی ابرها» در سینماهای ایران و جهان، شاید بتواند وضعیت فیلم آخر فرهادی را هم تا حدود زیادی قابل‌پیش‌بینی کند. به نیست نگاهی به فروش فیلم «بچه‌های آسمان» از همین فیلمساز، یعنی مجید

گزارش

رسانه‌های خارجی درمورد فیلم مجیدی چه نوشتند؟



محمدحسین پرتویان
روزنامه‌نگار

۲۱ مهر، فیلم سینمایی «آن سوی ابرها» جدیدترین ساخته مجید مجیدی در بخش رقابتی جشنواره فیلم لندن، اولین نمایش جهانی خود را تجربه کرد. اواخر فروردین امسال بود که این فیلم در سینماهای هندوستان اکران شد. اگرچه منتقدان نظرات مثبتی نسبت به این فیلم داشتند ولی «آن سوی ابرها» در سینمای هندوستان فقط توانست ۱۹۰ هزار دلار فروش کند و در مجموع ماه اول ۲۳۹ هزار دلار فروش داشته است. با این وجود آخرین اثر مجید مجیدی در رسانه‌ها با نظرات متفاوتی مواجه شده است.

«نیویورک تایمز» (The New York Times) در گزارش خود از فیلم جدید مجیدی با اشاره به بخش‌هایی از داستان پرکشش این فیلم می‌گوید: «این فیلم فقر، فساد و بی‌عدالتی در جامعه مورد اشاره را به خوبی نشان داده و می‌توان این فیلم را با فیلم‌های پرافتخاری که در دهه ۵۰ ایتالیا ساخته شده، مقایسه کرد.»

این رسانه همچنین ضمن تمجید از توانایی‌های مجید مجیدی در تصویربرداری و مدیریت صحنه‌های این فیلم، به نگارش زیبایی فیلمنامه فیلم نیز اشاره کرده و فیلم «آن سوی ابرها» را با فیلم «بچه‌های آسمان» مجیدی که نامزد اسکار شده بود، مقایسه می‌کند.

«وسپایت ایندیپایور» (Indiawire) هم با اشاره به نوع انتخاب شکل فیلمسازی مجید مجیدی، برای برون‌رفت از کشور خودش به کشوری همچون هندوستان، این اقدام را تحسین کرده و اثر جدید او را اثری در شأن تمام خانواده‌ها معرفی می‌کند. «ایندیپایور» اثر جدید مجیدی را شاعرانه و دردناک توصیف کرده و نوشته است: «فیلم جدید مجیدی داستان خود را در واقعیات جامعه فقیر هندوستان نشان می‌دهد و تلاش دارد همچون دیگر آثار این هنرمند رئالیسم را در تمام ابعاد خود نشان دهد.» این رسانه همچنین از حضور «آی‌اِرحمان» برنده دو اسکار موسیقی در این فیلم هم یاد کرده و موسیقی فیلم را تکان‌دهنده و زیبا معرفی می‌کند و یکی از نقاط قوت اصلی فیلم را در موسیقی آن تلقی می‌کند.

نویسنده این نقد، نحوه فیلمبرداری «آن سوی ابرها» فیلم را تحسین کرده و حرکات دوربین در بسیاری از صحنه‌ها را پرتحرک و تکان‌دهنده معرفی می‌کند.

نویسنده «تریبون» (Tribune) پاکستان هم یادداشت خود را با عنوان «آسمان برای فیلم در میان ابرها مجید مجیدی محدود است» شروع کرده و می‌گوید: «تفاوت‌ها و اختلاف طبقاتی در بمبئی در همان اوایل فیلم خود را نشان می‌دهد.

سیاهی و فقر در جای جای فیلم خود را گسترش داده و از هسته‌های اصلی فیلم است.»

این منتقد از بازی درخشان نقش اول مرد فیلم یعنی

چهارسو

✎ انتقاد محمود عزیزی به پزهای سیاسی در تئاتر نصر

محمود عزیزی، مدیر سابق تئاتر «نصر» با تاکید بر لزوم تبدیل «لاله‌زار» به منطقه‌ای فرهنگی، تئاتر «نصر» به این مساله اشاره کرده است که تئاتر «نصر» داستانی طولانی در شهرداری دارد و سال هاست که برخی مدیران با طرح‌های ارائه شده فقط پز سیاسی داده‌اند. اخیراً رئیس کمیته معماری شورای شهر تهران اعلام کرده است به‌زودی فراخوان انتخاب مهندسان مشاور برای انجام مطالعات نحوه مرمت و احیای تئاتر نصر انجام می‌شود. او همچنین اظهار کرده: «باید در مورد کاربری این تئاتر هم تعیین تکلیف شود، اما در بازدیدی که اخیراً از این تئاتر داشتم، تصور این است که ساختار فضایی این مکان هنوز کامل و هوای «تئاتر» دارد و کاربری اصلی آن باید همان تئاتر بماند و می‌تواند به پاتوقی برای اهالی تئاتر بدل شود. این اظهار نظر اگرچه پس از خرید بنای تئاتر نصر توسط شهرداری تهران می‌تواند نوبدبخش زنده‌شد جریان فرهنگی و هنری در این بنا و منطقه لاله‌زار باشد، اما به نظر می‌رسد تجربه‌های گذشته چندان هم امیدوارکننده نبوده‌اند.»

✎ شکست طرح اکران در ماه رمضان امسال

چند سالی است که در ماه مبارک رمضان طرح ویژه اکران رمضان به‌منظور کاهش افت فروش فیلم‌ها در سینماها اجرا می‌شود؛ طرحی که باعث می‌شود صاحبان آثار با وجود اینکه معتقدند مخاطبان، چندان اقبالنی به رفتن به سینما در این ماه ندارند ولی آثارشان را به نمایش بگذارند. این طرح در سال‌های گذشته با استقبال خوبی مواجه شد و آثار و لی آثارشان را به نمایش بگذارند. این طرح در سال‌های گذشته هم داشته‌اند. در حالی در سال‌های قبل رسانه ملی یکی از محرک‌های اصلی اجرای این طرح بود، اما امسال کمکی به این طرح نکرد و به گفته سینماداران آنها را تنها گذاشت. این امر باعث شد مردم از اجرای این طرح آگاهی نیابند و از آن استقبال نشد و نتیجه‌ای جز ضرر برای سینمادارها و سینماگران نداشته باشد.



سازمان امور مالیاتی کشور

سازمان امور مالیاتی کشور

اطلاعیه صاحبان محترم مشاغل (اشخاص حقیقی)

شما می‌توانید بدون مراجعه به اداره امور مالیاتی از طریق سامانه www.tax.gov.ir اظهارنامه الکترونیکی خود را حداکثر تا پایان خرداد ماه سال جاری ارسال و مالیات مربوطه را نیز پرداخت نمایید.

روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور

۱۵۲۶ مرکز ارتباط مردمی